

## مسئولیت کیفری ناشی از عمل دیگری در حقوق ایران

سامان سوری لکی<sup>۱</sup>

داوود رشیدی<sup>۲</sup>

### چکیده

مسئولیت کیفری یعنی قابلیت توجه اتهام و تحمیل کیفر به شخصی که با وصف عقل، بلوغ، اختیار و قصد، مرتکب جرم شده است. در حقوق جزا اصل بر شخصی بودن مسئولیت کیفری است. با این حال مقوله مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر به عنوان استثنایی بر اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر از مباحث جدید حقوق کیفری به شمار می رود و سابقه مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر به قوانین حمورابی که از قدیمی ترین قوانین مدون بوده برمیگردد. در دوران معاصر نیز اگرچه اصل شخصی بودن مجازاتها پذیرفته شده است ولی قانونگذار در برخی موارد این اصل را نادیده گرفته و مسئولیت کیفری را متوجه اشخاصی که در وقوع جرم دخالتی نداشته قرار داده است. از جمله مسائل مرتبط با مسئولیت کیفری و اصل شخصی بودن آن، مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری است که قانون گذار در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ از آن تحت عنوان مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری یاد کرده است؛ بدین معنا که مسئولیت کیفری متوجه شخصی میگردد که دخالتی در ارتکاب جرم نداشته است اما به دلیل وجود شرایطی خاص بنابر صلاحدید قانون گذار مسئول شناخته شده و مجازات میگردد. حقوقدانان برای توجیه مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی، نظریاتی از قبیل: نظریه مسئول نیابتی، نظریه مطابقت یا انطباق، نظریه اجتماع یا انباشتگی اراده و ... برای مسئولیت کیفری شخص حقیقی نظریاتی مانند: نظریه خطر و، نظریه تقصیر، فاعل معنوی، سبب اقوی از مباشر را مطرح نموده اند.

کلید واژه ها: اصل شخصی بودن، فعل غیر، مسئولیت کیفری، مجازات

<sup>۱</sup> - کارشناس ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

<sup>۲</sup> - دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق خصوصی و کارآموز وکالت

## مقدمه

مسئولیت کیفری به عنوان حلقه رابط میان جرم و مجازات یکی از موضوعات اساسی حقوق جزا به شمار میرود ارتکاب جرم در شرایطی که قابلیت انتساب به مرتکب را داشته باشد موجب استقرار مسئولیت کیفری و مجازات خواهد شد؛ مگر آنکه مجرم به دلایلی قادر به تحمل مسئولیت جزایی نباشد قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، اگر چه تعریفی از مسئولیت کیفری ارائه نموده لیکن در بخش چهارم خود از ماده ۱۴۰ تا ۱۵۹ شرایط و موانع مسئولیت کیفری را احصا کرده و احکام هر یک را بیان داشته است؛ این در حالی است که در قانون قبلی مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۰ چنین تفکیکی وجود نداشت. به موجب اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری که قانونگذار در ماده ۱۴۱ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به صراحت مطرح کرده است نمیتوان هیچ کس را برای فعل یا ترک فعلی که دیگری مرتکب شده، است مسئول دانست در ارتباط با مسئولیت کیفری، علاوه بر اصل شخصی بودن مسئولیت، کیفری موضوع دیگری تحت عنوان مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر قابلیت طرح و بررسی مییابد که در تأسیسات حقوقی کشورهای دنیا امری شناخته شده و حائز اهمیت است. به عنوان مثال در مورد حقوق انگلستان میتوان به قضیه کوپن علیه مور و همچنین بخش ۲۴ قانون داروسازی و سموم، مصوب ۱۹۳۳ اشاره کرد. علاوه بر این میتوان گفت که در برخی از اسناد بین المللی نیز این مسأله مورد اشاره قرار گرفته است در این نوشتار سعی در شناسایی مفهوم، مبانی و شرایط این مسئولیت و بررسی آن از دیدگاه حقوق کشور ایران با تمرکز بر قوانین ایران و همچنین اسناد بین المللی به طور همزمان شده است. در جریان تصویب قوانین مدون اسلامی، قلمرو مسئولیت کیفری ناشی از اعمال دیگران، با رعایت اصل شخصی بودن مجازات، در مورد مسئولیت ناشی از عمل دیگری را استثنائاً به نحو خاصی ملحوظ نظر قرار داده است و طبق این تبصره، چنانچه غیر بالغ، مرتکب قتل، ضرب و جرح شود، عاقله ضامن است؛ لیکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن می باشد و اداء آن به عهده ولی طفل است. هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع، یا در حکم، یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد؛ در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود. و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد. پرسش اصلی که در رابطه با مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری مطرح می گردد این است که ماهیت حقوقی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری چیست و اینکه چرا قانون گذار چنین نهادی را تأسیس کرده و چه مصالحی در وضع این نهاد مدنظر بوده است؟ چنین به نظر میرسد که مصلحت قانونگذار از وضع این نهاد القاء مسئولیت نظارت بر شخص مافوق بوده است. در این راستا با پرسشهای دیگری نیز روبرو هستیم از قبیل اینکه مبانی وجود مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری کدام است؟ مهمترین شرایط مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری چیست؟ نقاط ضعف و قوت قوانین داخلی و اسناد بینالمللی در شناسایی و بررسی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری و مسئولیت کیفری مقامات مافوق کدام است؟ و اینکه عملکرد قانونگذار در قوانین داخلی تا چه حد منطبق بر اسناد بین المللی است؟ هدف از انجام این تحقیق دستیابی به پاسخ این پرسشها و آثار مترتب بر آنها میباشد.

## ضوابط عام مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بیان می‌دارد: «در مسئولیت کیفری اصل بر مسئولیت شخص حقیقی است و شخص حقوقی در صورتی دارای مسئولیت کیفری است که نماینده قانونی شخص حقوقی به نام یا در راستای منافع آن مرتکب جرمی شود. مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی مانع مسئولیت اشخاص حقیقی مرتکب جرم نیست.»

در این قسمت ذیل، ضمن تحلیل نظریات در مورد مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی و اشاره‌ای گذرا به پذیرش آن‌ها در حقوق کشورهای دیگر، در مورد ضابطه نمایندگی مورد پذیرش در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بحث می‌کنیم و سپس بیان می‌داریم چه جرایمی توسط اشخاص حقوقی قابل ارتکاب هستند.

### مبنای نظری پذیرفته شده برای مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی

ارتکاب جرم از طرف تمامی اشخاص اعم از حقیقی و حقوقی مستلزم تحقق ارکان مادی و معنوی آن جرم است؛ لکن همان گونه که می دانیم، اشخاص حقوقی وجود عینی و ملموس ندارند تا بتوانند به این اعتبار رکن مادی جرم را مرتکب شوند و رکن معنوی جرم را دارا باشند. حقوق کیفری بر یک رویکرد فردگرایانه مسئولیت اتکا دارد. علت وجودی حقوق کیفری، تعاریف و ارکان جرم، مسئولیت کیفری و عوامل تأثیرگذار بر آن و کیفیت اجرایی مقررات کیفری از جمله حوزه‌هایی هستند که به شدت متأثر و در معرض تحلیل فردی قرار دارند. طبعاً در این رویکرد، انتساب جرم به شخص حقوقی و طرح مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی با موانع جدی روبه‌رو خواهد بود. لکن مهم‌ترین مانع در این راه، مسئله اسناد تقصیر است. اسناد تقصیر به اشخاص حقوقی دشوار است. مایکل مور دلیل آن را استلزام دو اصل عقلانیت و استقلال فردی در اسناد تقصیر می‌داند لکن باید اذعان داشت در مورد اشخاص حقوقی، تکیه بیش از حد بر تقصیر فردی و خطاهای انسانی، منطقی نمی‌نماید. تحلیل ساختاری اشخاص حقوقی بر رویکرد فردگرایانه در مورد آن‌ها اولویت دارد؛ زیرا هرچقدر خطاهای انسانی اجتناب‌ناپذیر تلقی شوند، حقیقت این است که حوادث زبان‌بار در عرصه فعالیت اشخاص حقوقی به ندرت محصول اشتباهات فردی هستند، بلکه بیشتر آن حوادث در زنجیره علیت خود، عوامل بسیار پیدا و پنهانی دارند که باید با دقت مورد توجه قرار گیرند. به عبارت دیگر، در ایجاد این حوادث و وقوع جرایم در اشخاص حقوقی، قصور یا خطای فردی در مقایسه با نارسایی‌های دیگر، مانند قصورهای نامحسوس مدیریتی و ارتباطی، نارسایی روش‌ها، سازمان پیچیده و متداخل و مانند آن، از اهمیت زیادی برخوردار نیست، لذا توجه به شرایط یا ساختاری که حوادث در آن اتفاق افتاده، مهم‌تر است. (عبداللهی ۱۳۸۹: ۱۴۷).

### بررسی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در اشخاص حقوقی:

مبانی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری که در برخی کشورها از آن به مسئولیت مشترک مرتکب اصلی و ثالث نیز یاد می‌شود، به لحاظ حقوقی در کشور ما کمتر به طور دقیق به بحث گذاشته شده است. در این نوع مسئولیت، بعضاً قانونگذار، شخصی به غیر از مرتکب اصلی را به واسطه فعل وی مسئول می‌داند، به صورتی که اگر مرتکب اصلی آن عمل را انجام نمی‌داد، دیگری نیز در قبال فعل وی مجازات نمی‌گردید. در مسئولیت کیفری شخص حقوقی نیز، در اولین نگاه شخص حقوقی در برابر اقدامات مدیران و کارکنان خود مورد مجازات قرار می‌گیرد. مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر مؤافقان و مخالفانی دارد که هر یک دلالی جهت اثبات عقیده خویش عنوان کرده‌اند. مؤافقان، ممانعت از وقوع جرایم با نظارت بهتر، گزینش افراد صالح تر در محیط کار، دقت و احتیاط کافی و لازم و ایجاد نظم بیشتر، تبعیت هر چه بهتر از مقررات به واسطه ترس از کاستن شهرت و اعتبار، تسهیل در اثبات مسئولیت و مسئول بودن کلیه افرادی که از وقوع جرم نفع می‌برند را از فواید این نوع مسئولیت می‌دانند و مخالفان مغایرت این نوع مسئولیت را با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، غیر عادلانه و غیر قابل دفاع بودن این نوع مسئولیت به لحاظ اخلاقی و وارد آوردن فشار مضاعف بر افراد تحت شمول این نوع مسئولیت را از دلایل مخالفت خود می‌شمارند. (کشاورز چافجیری، ۱۳۸۱، ۶۵-۶۲)

**نظریه خطر:** طبق این نظریه؛ مسئول کیفری برای رفتار دیگری محیط مخاطره آمیزی را بوجود می‌آورد که امکان تحقق جرم در آن جا بیش از جاهای دیگر است. بنابراین سرمایه داران، مدیران و کارفرمایان مؤسسات صنعتی، کارخانه‌ها و غیره که هر یک بنا به وضع و مقام اجتماع، نسبت به کارگران خود در طلب کسب مزایا و امتیازات بیشتری هستند باید خطرات ارتکاب بعضی جرایم مربوط به فعالیت‌های تجاری خود توسط کارگران مزبور را بپذیرند. (کشاورز چافجیری، ۱۳۸۱، ۷۴)

**نظریه تکلیف قانونی:** بر اساس این نظریه در قلمرو فعالیت های اجتماعی، یعنی محدوده ای که بعضی از التزامات قانونی، اعمال نظارت بر نحوه کار و از جمله اعمال دیگران را جزیی از تکالیف فرد فرض می دارد، هر فعلی که نقض التزامات مذکور به شمار رود، نشانه ترک تکلیف قانونی تلقی خواهد شد، هر چند نتوان ترک آن را حمل بر تقصیر کرد. (همان منبع، ۷۵)

**نظریه نمایندگی:** این نظریه نیز که متکی بر نظرات ارائه شده در حقوق مدنی است مبین آن است که «کار کارگر در واقع اقتدار کارفرماست و کارگر تنها به جای کارفرما کار می کند و نماینده قانونی کارفرما می باشد. پس در حقیقت کارفرما مسئول عمل خویش است و در نظر شخص ثالث، کارگر و کارفرما چنان ارتباطی با هم دارند که تفکیک میان آن ها ممکن نیست.» (همان منبع)

**نظریه تقصیر (خطا):** این نظریه که به دلیل دارا بودن مفهوم اخلاقی در تبیین مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری مقبولیت بیشتری در عالم حقوق جزا پیدا کرده است مبین آن است که «منشأ مسئولیت کیفری کارفرمایان و مدیران مؤسسات، تقصیر و خطای شخصی خود آنان می باشد. به عبارت دیگر، مبنای حقوقی مسئولیت کیفری اشخاص مذکور که به دلیل جرم دیگری مسئولیت می یابند، افعال در انجام دادن وظیفه مراقبت بر رفتار دیگری و عدم نظارت بر رعایت مقررات است که شخصاً به عنوان مدیر، کارفرما، فرد صنفی و یا به طور کلی دارنده اسمی هر نوع حرفه ای انجام آن را بر عهده گرفته اند».

#### الف) بررسی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در اشخاص حقیقی:

طبیعی است که هر کس باید شخصاً پاسخگوی آثار و نتایج اعمال خویش باشد. ولی در حقوق مدنی، در پاره ای اوقات، افرادی که مستقیماً مرتکب خطائی نشده اند، به علت عمل دیگری مسئول جبران خسارت وارده به دیگری شناخته می شوند. حال این سؤال مطرح است که آیا در مسائل کیفری نیز می توان شخصی را به خاطر ارتکاب عمل مجرمانه دیگری، از نظر کیفری مسئول دانست؟ پاسخ به این سؤال، مطابق اصل شخصی بودن مجازات ها و مسئولیت کیفری، که امروزه در کلیه نظام های جزائی پذیرفته شده، منفی است. زیرا هیچ کس را نمی توان به خاطر عمل مجرمانه شخص دیگری از نظر کیفری مسئول شناخت. با این وصف به طور استثناء در بعضی از نظام ها به استناد مواد قانونی خاص، و یا بر طبق رویه قضایی، مسئولیت ناشی از عمل دیگری پذیرفته شده است. (ولیدی، ۱۳۶۶، ۱۷۹). در جریان تصویب قوانین مدون اسلامی، قلمرو مسئولیت کیفری ناشی از اعمال دیگران، با رعایت اصل شخصی بودن مجازات، در مورد مسئولیت ناشی از عمل دیگری را استثنائاً به نحو خاصی ملحوظ نظر قرار داده است و طبق این تبصره، چنانچه غیر بالغ، مرتکب قتل، ضرب و جرح شود، عاقله ضامن است؛ لیکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن می باشد و اداء آن به عهده ولی طفل است. هر گاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع، یا در حکم، یا در تطبیق حکم بر مورد خاص، ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد؛ در صورت تقصیر، مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود. و در هر حال از متهم اعاده حیثیت می گردد. از این مطلب که بگذریم در راستای عنوان مطروحه می توان به اصلی پرداخت که برخلاف گذشته فقط فاعل واقعی جرم را مسئول می داند؛ اصل مسئولیت شخصی، اصلی است که طی تحولات تاریخ حقوق کیفری به مرور شناخته شده و اکنون به عنوان یکی از اصول مسلم حقوق کیفری شناخته می شود. «در جوامع بدوی و اولیه و حتی در جوامع سده های اخیر، اگر کسی مرتکب جرمی می شد، تمامی اقوام و اعضای خانواده در مقابل جرمی که دیگری انجام می داد مسئولیت داشته و مجنی علیه یا اولیاء دم او در صدد از بین بردن خانواده و فامیل قاتل برمی آمدند» (شامبیاتی، ۱۳۷۲، ج ۲، ۲۹۰) در جوامع اروپایی هم تا چندی

پیش مسئولیت جمعی در برابر بزه وجود داشت. بعد ها به وسیله تحولاتی که صورت گرفت و پس از رنسانس سیستم های کیفری تغییر یافت». (همان منبع)

اصل شخصی بودن مسئولیت و مجازات به مرور زمان و با تحول جوامع و تشکیل دولت ها به عنوان یکی از قواعد مسلم حقوق کیفری در آمده است، به طوری که امروزه یکی از اصول بنیادی حاکم بر حقوق جزایی کشور ها «اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی» است که واکنشی در مقابل جمعی بودن مسئولیت که قرن ها در جوامع مختلف دوام داشته محسوب می شود. امروزه اصل شخصی بودن مسئولیت جزایی، همچون اصلی خدشه ناپذیر و منطبق با احساسات عالی عدالتخواهی و انصاف، مورد قبول قانونگذاران مختلف قرار گرفته است. (نوربهاء، ۱۳۸۱، ۳۶۵) اصل شخصی بودن واکنش کیفری است که بر اساس آن «واکنش کیفری (مجازات یا اقدامات تأمینی و تربیتی) در قبال هر جرمی تنها متوجه کسی می گردد که مسئولیت کیفری او برای آن جرم احراز شده باشد». (کشاورز چافجیری، ۱۳۸۱، ۳۰-۲) اما با این وجود که اصل شخصی بودن مسئولیت و واکنش کیفری (شخصی بودن جرم و مجازات) امروزه از اصول مسلم حقوق کیفری است، «یک سؤال بدین شکل مطرح می شود که اگر فردی جرمی انجام دهد (به عنوان مباشر، شریک یا معاون)، آیا می توان فرد دیگری را علیرغم آن که شخص مجرم از نظر جزایی مسئول و قابل تعقیب و مجازات است و عناصر تشکیل دهنده جرم در او جمع شده است نیز مسئول دانست و مجازات کرد؟ آیا این امکان وجود دارد که جرمی ناشی از عمل دیگری تلقی شود و به شخصی منتسب گردد که نه مباشر جرم است، نه شریک و نه معاون و از نظر مادی در جرم انجام یافته نقشی نداشته اما به دلیل انجام یک خطا یا داشتن حالت مجرمانه غیر آشکار مجازات شود؟» (نوربهاء، ۱۳۸۱، ۳۶۶). آن چه روشن است این که در حقوق کیفری اصل بر مسئولیت مباشر اصلی بوده و مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر امری استثنائی و خلاف عدالت جزایی محسوب می شود که پذیرش آن را بسیار سخت و غیر ممکن می نماید. از سوی دیگر گسترش حدود مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر، مغایر با رویه پذیرفته شده کنونی در خصوص جرم زدایی و پرهیز از استفاده ناکارآمد و غیر ضروری از ابزار کیفری است که خود منجر به برچسب زدن عنوان مجرم به کسی می گردد که واقعاً بی گناه است. از این نظر قبول مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر باید به صورتی کاملاً استثنایی، با دلایل توجیهی قوی و متکی به مصالح جمعی باشد به طوری که آن قدر مهم جلوه نماید که مجازات افراد ثالث را در قبال فعل دیگری توجیه نماید. اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری اشخاص، امروزه از چند جهت محدود می گردد: یکی به حکم قانون و تفسیری که توسط مقامات قضایی در راستای قانون صورت می پذیرد، دیگری به واسطه آسیب ها و تبعات ناشی از کیفر هر شخص که دیگران را نیز متأثر می سازد و سوم عرف موجود در برخی از مناطق که هنوز به جمعی بودن مسئولیت کیفری به صورتی فرا قانونی اعتقاد دارند. (کشاورز چافجیری، ۱۳۸۱، ۵۳). علیرغم تمام انتقادهایی که عده ای از حقوقدانان بر مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر که یکی از اصول مسلم حقوق کیفری - یعنی اصل شخصی بودن جرم و مجازات- را نادیده می انگارد، وارد ساخته اند، غالب حقوقدانان با توجه به ضرورت هایی که بیشتر ناشی از زندگی در جوامع صنعتی است، آن را پذیرفته اند.

### ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری و مسئولیت کیفری مقام مافوق

مسئولیت کیفری ناشی از رفتار مجرمانه، دیگری از جمله مهمترین مسائل مرتبط با مسئولیت کیفری و اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. این قسم از مسئولیت علاوه بر جرایم ناشی از فعل در قبال جرایم ناشی از ترک فعل نیز قابل تصور است، لذا به کار بردن واژه رفتار در رابطه با مسئولیت مزبور صحیحتر است، همچنین شخص مسئول در قبال رفتار مجرمانه دیگری میتواند شخص حقیقی یا شخص حقوقی باشد که چنین مفهومی را از ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی که از واژه شخص به طور عام در رابطه با مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری استفاده نموده است نیز میتوان برداشت کرد اگرچه مسئول کیفری

شناختن شخص حقوقی به علت رفتار دیگری در میان حقوقدانان مورد اختلاف است لازم به ذکر است که در پژوهش حاضر مسئولیت کیفری اشخاص حقیقی در قبال رفتار مجرمانه دیگری محوریت بحث در حقوق داخلی قرار گرفته است. در حقوق مدنی کشورمان گاه افرادی که شخصاً مرتکب فعل یا ترک فعل زیانبار نشده اند مسئول جبران خساراتی شناخته میشوند که در اثر رفتار زیان بار دیگری حاصل شده است. مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری در قانون مسئولیت مدنی مصوب ۱۳۳۹ به صراحت آمده است به عنوان مثال ماده ۷ این قانون در رابطه با مسئولیت مدنی اولیاء و سرپرستان صغار و مجانین بیان میدارد «کسی که نگاهداری یا مواظبت مجنون یا صغیر قانوناً یا بر حسب قرارداد به عهده او می باشد در صورت تقصیر در نگاهداری یا مواظبت مسئول جبران زیان وارده از ناحیه مجنون و یا صغیر می باشد. همان گونه که مشاهده میگردد مطابق این ماده، وظیفه نگهداری یا مراقبت از مجنون یا صغیر ممکن است ناشی از حکم قانون از قبیل وظیفه ای که پدر و مادر بر عهده دارند یا به موجب قرارداد بر عهده شخص قرار گیرد، از قبیل مربی و.....

ماده ۱۲ همین قانون نیز در خصوص مسئولیت کارفرمایان مقرر میدارد «کارفرمایانی که مشمول قانون کار هستند مسئول جبران خساراتی می باشند که از طرف کارکنان اداری و یا کارگران آنان در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است به اعتقاد برخی حقوق دانان مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری را میتوان بر دو نوع تقسیم کرد: مسئولیت ناشی از فعل غیر بر اساس قواعد عام و مسئولیت ناشی از فعل غیر بر اساس ماده ۱۲ قانون مسئولیت مدنی به عنوان قاعده ای خاص با این توضیح که مسئولیت کارفرما در قبال خساراتی که کارگران وی به دیگران وارد می آورند، بدون داشتن تکلیف کارفرما نسبت به کارگر بر مبنای مصلحتی است که مد نظر قانون گذار بوده است. بنابراین جنبه استثنایی و خلاف قاعده دارد و قابل تعمیم به موارد مشابه نیست. در مقابل براساس قواعد عام مسئولیت مدنی گاه میتوان شخصی را مسئول فعل دیگری دانست این مسئولیت وقتی مطرح میشود که بتوان در ارتباط شخصی با دیگری تکلیفی اعم از فعل یا ترک فعل برقرار نمود نظر به اینکه در حقوق داخلی مسئولیت ناشی از رفتار دیگری ابتدا در حقوق مدنی مطرح گردیده و پس از آن به حقوق کیفری راه یافته است، بنابراین پرداختن به ماهیت این مسئولیت پیش از ورود به ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری ضروری به نظر میرسد. در ادامه ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از رفتار مجرمانه دیگری مورد توجه قرار گرفته است. مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری بدین معناست که مسئولیت کیفری متوجه کسی میشود که نه تنها مرتکب جرم نشده بلکه در ارتکاب آن نیز دخالتی نداشته است. اما به دلیل سیاست جنایی، خاص آثار مسئولیت کیفری و به تبع آن مجازات ناشی از رفتار دیگری را باید تحمل کند شاید بتوان چنین تلقی کرد که منظور از سیاست جنایی خاص القاء مسئولیت نظارت بر شخص مافوق است. مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق ایران برای نخستین بار در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ به طور صریح مورد اشاره قرار گرفته است. البته لازم به ذکر است که پیش از این قانون در قوانین دیگری، نیز به مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری پرداخته شده بود. لیکن در قوانین مذکور تنها مصادیق این قسم از مسئولیت مورد اشاره قرار، گرفته حال آنکه قانون مجازات ۱۳۹۲ به طور مستقیم و اساسی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را مورد بررسی قرار داده است. البته بهتر آن بود که در قانون مجازات نیز جدای از ماده ۱۴۲ مصادقی برای مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگریدر نظر گرفته میشد. در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی مقرر شده است مسئولیت کیفری به علت رفتار دیگری تنها در صورتی ثابت است که شخص به طور قانونی مسئول اعمال دیگری باشد یا در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی، دیگری، مرتکب تقصیر شود.» در مسئولیت کیفری ناشی از رفتار، دیگری با دو شخص روبرو هستیم. یک شخص همان مباشر جرم است که از وی تحت عنوان «دیگری» یاد شده است و شخص دیگر مسئول کیفری به خاطر رفتار. دیگری نکته حائز اهمیت در رابطه با مسئولیت کیفری شخص حقیقی به علت رفتار دیگری این است که رفتار مجرمانه غیر باید تخلف از مقرراتی باشد که مسئول کیفری ملزم به رعایت و اجرای آن بوده است. بدین معنا که مقررات مذکور تکالیفی را برای کارفرمایان و مدیران مسئول

در نظر میگیرند که آنها ملزم به رعایت این تکالیف هستند حال چنانچه وظیفه محوله به نحوی با امور کارگاه یا مؤسسه تحت نظارت آنان مرتبط باشد در صورت تخلف زیردستان از مقررات مربوطه مسئولیت کیفری این افراد کارفرما یا مدیر مؤسسه و ... به دلیل این که فرض میشود آنها از وظیفه خود مبنی بر نظارت کوتاهی کرده اند ثابت است. البته لازم به ذکر است که ثابت بودن مسئولیت کیفری اشخاص، مذکور خدشه ای بر مسئولیت مباشر جرم که از وی تحت عنوان دیگری یاد میشود -وارد نمی سازد. در اسناد بین المللی مانند (ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی عنوان مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری صراحتاً مورد اشاره قرار نگرفته است بلکه عنوان مسئولیت کیفری مقامات مافوق فرماندهی به چشم میخورد که ممکن است تا حدودی تداعی کننده مفهوم مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر باشد. لذا جهت آشنایی بیشتر با این نوع مسئولیت بررسی ماهیت آن در کنار ماهیت مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری امری مهم به نظر میرسد. مسئولیت کیفری مقامات مافوق در قبال رفتار مجرمانه مأموران زیردستان، یکی از موضوعات مهم حقوق جزای بینالملل میباشد که گاهی در پرونده های مطروحه در محاکم کیفری بینالمللی هم مورد بحث واقع گردیده است به عنوان مثال با توجه به رویه عملی دیوان کیفری بین المللی میتوان به پرونده یاماشیتا اشاره کرد که مربوط به محاکمه ژنرال یاماشیتا در مقابل کمیسیون نظامی آمریکا در مانیل بود. به موجب این پرونده کمیسیون اعلام کرد که ژنرال یاماشیتا فرمانده عالی نظامی منطقه فیلیپین در طول اشغال از سوی ژاپن باید در قبال جرایم بیشماری که توسط نیروهای تحت فرمانش در سرزمین فیلیپین اشغالی صورت گرفته مسئول شناخته شود. در یکی از تعاریفی که از مسئولیت مقام مافوق ارائه گردیده آمده است: «مسئولیت مقام مافوق گونه ای از مسئولیت غیر مستقیم است که در آن مسئولیت کیفری مافوق به علت رفتارهای مجرمانه ای که در ارتکاب آنها به نحوی دخالت داشته است به عنوان مثال آن رفتار را برنامه ریزی کرده یا دستور ارتکاب آن را داده و یا در ارتکاب آن رفتار شریک بوده است نمیباشد بلکه در ارتباط با رفتارهای مجرمانه ای که از سوی زیردستانش ارتکاب مییابد واجد مسئولیت کیفری شناخته میشود. با وجود این فرض اینکه مقام مافوق تنها به دلیل رفتار مجرمانه زیردستانش است که مسئول می شود اشتباه است؛ بلکه مسئولیت مافوق از کوتاهی او مبنی بر منع یا مجازات رفتارهای مجرمانه زیردستانش نشأت می گیرد دانسته اند به عبارت دیگر با اتکا به این تعریف و همچنین اسناد بین المللی موجود در این زمینه میتوان گفت که مسئولیت کیفری مقامات مافوق که بعضاً از آن تحت عنوان مسئولیت کیفری فرماندهان نیز یاد میشود عموماً ناظر به مواردی است که در افرادی که در موقعیت فرماندهی قرار دارند به این امر که جرمی ارتکاب یافته یا در آینده ارتکاب خواهد یافت واقف هستند اما علیرغم این آگاهی و همچنین علیرغم داشتن توانایی نسبت به جلوگیری یا ممانعت زیردستان خود از ارتکاب جرم یا مجازات آنها در انجام این وظیفه کوتاهی مینمایند بنابراین دارای مسئولیت کیفری شناخته می شوند. این قسم از مسئولیت غالباً در رابطه با جرایمی که در زمان جنگ رخ میدهند قابلیت طرح می یابد قابل ذکر است که در ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مسئولیت کیفری فرماندهان نظامی و سایر افراد مافوق مورد تفکیک قرار گرفته اند در بند نخست این ماده مسئولیت کیفری فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً وظایف فرمانده نظامی را انجام میدهد مورد بحث قرار گرفته است. بند دوم ماده مذکور نیز به روابط بین مقامات مافوق و افراد زیردست که در بند یک نیامده است اختصاص یافته است.

بنابر گفته یکی از اساتید حقوق در این ماده معیارهای جداگانه ای برای مسئول شناخته شدن فرماندهان نظامی و مقامات مافوق در نظر گرفته شده است. مقام نظامی مافوق در صورتی مسئولیت خواهد داشت که نسبت به ارتکاب جرم از سوی زیردستان مطلع بوده یا باید اطلاع میداشته است در حالی که مقام مافوق غیر نظامی باید میدانسته که افراد تحت امر او مرتکب جرم میشوند و یا از اطلاعاتی که به وضوح بر چنین امری داشته است به طور آگاهانه غمض عین کرده باشد. به عبارت دیگر برای مسئول دانستن مقام مافوق مطابق این ماده صرف احراز آنچه که در نظر عرف مسامحه محسوب میشود کفایت می کند در حالی که در مورد مقام غیرنظامی معیار سخت تری که همانا اثبات علم واقعی یا اعتباری وی نسبت به موضوع است به کار گرفته

میشود. مسئولیت مقامات، مافوق دارای دو مفهوم مختلف مسئولیت کیفری است. اول مسئولیت مستقیم فرمانده در قبال دستوراتی که به طور غیرقانونی صادر می کند. دوم، مسئولیت کیفری انتسابی در قبال رفتار غیرقانونی زیردست که لزوماً مبتنی بر کوتاهی ما فوق از انجام عمل در این موارد است ۱- جلوگیری از یک رفتار غیرقانونی خاص؛ ۲- فراهم کردن اقدامات کلی احتمالی برای جلوگیری یا منع رفتار غیرقانونی؛ ۳- تحقیق نسبت به رفتارهای غیرقانونی

با بررسی اسناد بین المللی در مییابیم که از بین دو مفهوم ذکر شده، مفهوم دوم بیشتر مورد توجه قرار گرفته است به عنوان مثال میتوان به ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اشاره کرد که مقرر میدارد فرماندهان نظامی و مقامات غیرنظامی در قبال جرایمی که در صلاحیت دیوان است و از سوی نیروهایی که تحت فرماندهی و کنترل مؤثر آنان است ارتکاب مییابد از نظر کیفری مسئول شناخته میشوند. در این نوشتار نیز مفهوم دوم مورد توجه قرار گرفته است. رویه عملی دادگاه کیفری بین المللی در زمینه تشخیص مفهوم مسئولیت مقام مافوق بر توجه به نقش فرماندهان از دیدگاه جنگجویان (زیردستان) تأکید دارد. از مجموع مطالب گفته شده پیرامون ماهیت مسئولیتهای مذکور، چنین بر می آید که مسئولیت ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی دارای یک مفهوم کلی است که هم مسئولیت مدنی و هم مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را شامل میشود به عبارت دیگر رفتاری که منجر به مسئولیت مدنی یا کیفری شخص مسئول میشود اعم است از رفتار زیانبار یا رفتار مجرمانه؛ حال آنکه ماهیت مسئولیت مافوق به علت رفتار مأمور مادون از آنجایی که در رابطه با جرایمی که در زمان جنگ به وقوع پیوسته اند، مطرح میگردد بیشتر ناظر بر مسئولیت کیفری مقام مافوق در قبال رفتار مجرمانه زیر دست است. بنابراین میتوان گفت که هر چند ممکن است مسئولیت کیفری مقام مافوق به علت رفتار مأمور زیردست را تا حدودی شبیه به مسئولیت ناشی از فعل غیر دانست، لیکن هر یک از این مفاهیم دارای ماهیتی خاص و متمایز از دیگری است.

### مفهوم اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری

یکی از اصول حاکم بر مسئولیت کیفری اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است. به موجب این اصل، تنها شخص مرتکب جرم مسئولیت کیفری دارد و مجازات می شود. مفهوم حقوقی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری ارتباط نزدیکی با اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری دارد از این رو پرداختن به این اصل، امری مفید و حائز اهمیت میباشد. اصل شخصی بودن مسئولیت، کیفری بدین معناست که هیچ کس را نمیتوان برای فعل یا ترک فعلی که دیگری مرتکب شده است مسئول دانست. به عبارت دیگر هر انسانی باید شخصاً پاسخگوی پیامدهای رفتاری که از او سر زده است باشد و ممکن نیست که این بار را بر دوش دیگری نهاد. اصل مذکور علاوه بر حقوق داخلی در حقوق کیفری بین المللی نیز اصلی شناخته شده و حائز اهمیت است و از مطالعه اسناد بین المللی چنین بر میآید که از آن تحت عنوان مسئولیت کیفری فردی یاد شده است. به اعتقاد برخی از حقوق دانان اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری همان اصل فردی بودن مسئولیت کیفری است در حالی که عده ای دیگر از حقوق دانان این دو اصل را اصلی متمایز از یکدیگر دانسته و اعتقادشان بر این است که هر یک از این اصول دارای محتوا و مضمونی خاص و متمایز از دیگری است. از نظر نگارندگان، چنانچه گفته شود منظور از اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری آن است که مجازات تنها بر فرد مسئول عاقل بالغ آگاه و مختار اعمال میشود نه هر فردی که مرتکب جرم شده است مطابق با نظر برخی حقوق دانان در این صورت اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری مفهومی متمایز از اصل فردی بودن مسئولیت کیفری خواهد داشت. اما چنانچه گفته شود مطابق این اصل هر فردی مسئول رفتار ارتكابی از جانب خویش است و نمیتوان هیچ کس را مسئول رفتار دیگری شناخت در این صورت مفهوم اصل شخصی بودن و اصل فردی بودن مسئولیت کیفری را میتوان منطبق بر هم دانست در برابر اصل جمعی بودن مسئولیت کیفری نکته قابل توجه در رابطه با اصل شخصی بودن



مسئولیت کیفری آن است که باید بین این اصل و اصل شخصی بودن مجازاتها تفکیک قائل شد چرا که شخصی بودن مجازات اثر و نتیجه اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است بدین معنا که ابتدا باید مسئولیت کیفری محرز شود و آن گاه مجازات اعمال گردد به عبارت دیگر از آنجایی که مسئولیت کیفری پدیده‌های مقدم بر مجازات است تا زمانی که دادرسی آن را احراز نکند مجازات اعمال شدنی نیست و هنگامی که این مسئولیت احراز شد، آن گاه دادرسی باید برای مجرم مجازات تعیین کند بنابراین میتوان گفت تا زمانی که فردی فاقد مسئولیت کیفری باشد تعیین و اعمال مجازات در مورد وی امکان پذیر نیست. در یک جمع بندی کلی میتوان گفت که اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری، از اصول بنیادین حقوق جزا به شمار آمده و دارای ارتباط نزدیکی با اصل شخصی بودن مجازاتها است. البته این نکته را باید در نظر داشت که هر یک از این اصول قلمرو حکومت جدا از دیگری دارد بدین معنا که قلمرو اصل شخصی بودن مجازاتها مرحله اجرای حکم است در صورتی که قلمرو اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری مرحله دادرسی و محاکمه است. اگرچه در اغلب تألیفات، حقوقی در کشور ما تفاوتی میان اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری و اصل شخصی بودن مجازاتها لحاظ نشده است. تفکیک این دو اصل منجر به درک دقیقتر مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری می گردد زیرا زمانی که گفته میشود، اصل شخصی بودن مجازات است و استثنائاً ممکن است شخص دیگری به غیر از بزهدار بار مجازات را به دوش بکشد، این گفته لزوماً بدین معنا نیست که شخص مذکور جزاً مسئول است. این امر نشان دهنده قلمرو حکومت اصل شخصی بودن مجازاتها در مرحله اعمال مجازات است. حال آنکه در رابطه با کسانی که مسئول رفتار دیگری شناخته میشوند وضع متفاوت است. بدین گونه که مسئول کیفری رفتار دیگری باید خود شخصاً در دادگاه حاضر و برای جرمی که در ارتکاب آن به ظاهر مداخله مادی نداشته است محکوم و این محکومیت در سبب کیفری او ثبت شود در اینجا اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری که به موجب آن هر کس برای تقصیری که مرتکب شده است مؤاخذه میگردد از اصول حاکم بر دادرسی است. زیرا مسئول کیفری رفتار دیگری هر چند در اجرای جرم، عملاً نداشته سهمی و حتی قصد بر ارتکاب جرم نکرده است ولی دست کم باید با پدید آوردن وضعی پیش از جرم ارتکاب آن را ممکن یا به عبارتی تسبیب کرده باشد بنابر آنچه گفته شد میتوان نتیجه گرفت که شاید بتوان مجازات به علت رفتار دیگری را تا حدی استثنا بر اصل شخصی بودن مجازاتها به حساب آورد لیکن در رابطه با مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری چنین به نظر نمیآید که از اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری تخطی شده باشد.

### مبانی مسئولیت ناشی از رفتار دیگری و مسئولیت کیفری مقام مافوق

آشنایی با مبانی مسئولیت ناشی از رفتار دیگری اعم از مسئولیت مدنی و کیفری، از جهت شناسایی و تبیین فلسفه این مسئولیت از اهمیت بسزایی برخوردار است. در رابطه با مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری با توجه به این که رفتار دیگری موجب بروز خسارت شده است بحث جبران خسارت «مطرح میگردد و فرد مسئول تنها مسئول جبران خسارت وارده از جانب دیگری میباشد در حالی که در مسئولیت کیفری ناشی از رفتار، غیر از آنجایی که رفتار صورت گرفته جرم میباشد، بحث از «مجازات شخص مسئول در قبال رفتار دیگری به میان می آید، شخصی که ظاهراً دخالتی در ارتکاب رفتار مجرمانه نداشته است. به همین خاطر پرداختن به مبانی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری از جهت آشنایی با فلسفه تحمیل این مسئولیت بر شخص مسئول و پاسخگویی به این سؤال که آیا میتوان شخصی را که نه مرتکب رفتار مجرمانه شده و نه در انجام آن معاونت یا مشارکت داشته است به خاطر رفتار دیگری مجازات کرد به نسبت مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری از اهمیت بیشتری برخوردار می شود. حقوق دانان کشورمان در توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری و با هدف انطباق این نوع مسئولیت با ارکان و مفهوم مسئولیت، کیفری نظریه‌هایی را مطرح ساخته اند که در این میان نظریه خطر و نظریه خطا نسبت به سایر نظریه‌ها شناخته شده تر هستند نظریه‌های مطرح شده در این زمینه را میتوان تحت عنوان مبانی

عقلی یا مبانی نظری مورد بررسی قرار داد این مبانی نظری علاوه بر اینکه موجبات توجیه حقوقی این نوع مسئولیت را فراهم میآورد موجب معیار و ملاکی برای تعیین حدود مسئولیت کیفری ناشی از رفتار غیر نیز خواهند بود. بر اساس نظریه خطر هر کس که از سود و منفعت کاری بهره مند میشود باید زیان و خطر آن کار را هم بپذیرد مدافعان این نظریه بر این عقیده اند که ثروت و قدرت بیشتر یعنی قبول مسئولیت سنگین تر. بنابراین، سرمایه داران، مدیران و کارفرمایان مؤسسات صنعتی و کارخانه ها که هر یک بنا به جایگاه اداری و اجتماعی نسبت به کارگران و نیروهای خود در طلب کسب مزایا و امتیازهای بیشتری هستند، باید خطرهای برخورداری از این مزایا و امتیازها را بپذیرند از دیدگاه برخی از اساتید حقوق این نظریه مبتنی بر عدالت و انصاف است بدین نحو که شخصی که ذینفع اصلی میباشد و از کار و فعالیت افرادی منتفع میشود باید مسئولیت مضار احتمالی این اعمال را نیز بپذیرد به طور کلی در توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری بر مبنای نظریه خطر میتوان گفت که مسئولیت کیفری از این جهت متوجه کارفرمایان مدیران و ... میشود که آنها علاوه بر اینکه استفاده کننده از کار زیردستان خود هستند، بلکه نسبت به آنها در صدد کسب مزایای بیشتری نیز میباشند لذا در صورت بروز رفتار مجرمانه از سوی زیردستانشان باید پاسخگو باشند در واقع بنابر این نظریه موقعیت شخص مسئول است که منجر به مسئول شناخته شدن وی به دلیل رفتار مجرمانه زیردستانش میشود. نظریه خطا مؤید این امر است که منشأ مسئولیت کیفری کارفرمایان و مدیران مؤسسات را باید در تخطی شخصی خود آنها جست و جو کرد به عبارت دیگر، مبنای حقیقی مسئولیت کیفری این اشخاص که به دلیل فعل غیر تحت پیگرد قانونی قرار می گیرند اهمال در انجام دادن وظیفه مراقبت بر افعال دیگری و عدم نظارت بر رعایت مقرراتی است که شخصاً به عنوان مدیر کارفرما و ... اجرای آن را برعهده گرفته اند. از گفته ایشان میتوان چنین استنباط کرد که فردی که مسئولیت اداره مکانی یا انجام کاری را بر عهده دارد باید نسبت به اعمال و رفتار زیردستان خود نظارت کافی داشته باشد و تعلیمات کافی را به آنها بدهد اگر چنین نشد و در انجام وظیفه خود کوتاهی کرد مسئول است و در واقع مسئولیت وی در درجه اول به لحاظ خطایی است که خود مرتکب شده است. به عبارت دیگر، در توجیه نظریه خطا میتوان گفت که افرادی که وظیفه نظارت را بر عهده دارند در صورت عدم نظارت در واقع زمینه وقوع جرم را فراهم میکنند. بنابراین اگرچه نقش آنها در وقوع پیوستن، جرم نقشی فرعی است، اما به جهت از بین بردن زمینه های وقوع جرم قانونگذار سعی میکند که حتی بعیدترین نقش ها را هم در وقوع جرم بررسی کند مبنای مسئولیت کیفری این افراد که از آن تحت عنوان مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری یاد شده است نیز همین امر است. در انتها در رابطه با مبانی نظری مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری ذکر دو نکته ضروری است نخست آنکه اگرچه در نگاه اول ممکن است چنین به نظر برسد که نظریه های مباشر معنوی و سبب اقوی از مباشر را نیز میتوان به عنوان مبنای عقلی یا نظری مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در نظر گرفت چنانچه در کتاب دوره حقوق جزای عمومی مسئولیت کیفری دکتر محسنی به نقل از استفانی و لواسور آمده است که ... نظریه خطا از بسیاری از جهات به نظریه مسئولیت مباشر معنوی جرم شبیه است. همان گونه که در مسأله مباشرت معنوی جرم شخص مباشر معنوی خود عملی را انجام نمیدهد و موجب میگردد که دیگری مرتکب جرم، گردد، در اینجا نیز بدون مدیر یا کارفرما عملی را شخصاً انجام دهد به علت اهمال در انجام وظایف خویش موجبات تحقق جرم را فراهم میآورد. لیکن توجه به این نکته ضروری است که تنها نقطه مشترک میان مباشر معنوی جرم یا شخصی که سبب اقوی از مباشر به حساب می آید و کارفرما یا مدیر مسئول آن است که هیچکدام دخالتی در عملیات مادی جرم ندارند. لیکن تفاوت بارزی که میان آنها وجود دارد این است که مدیر یا کارفرما با اهمال در وظیفه نظارت مطابق نظریه خطا به طور غیر مستقیم زمینه بروز جرم را فراهم می آورند و همان گونه که در ادامه بدان اشاره میگردد نقش آنها در بروز جرم نقشی فرعی است در حالی که مباشر معنوی یا فرد مسبب نه تنها مستقیماً در بروز جرم دخالت دارند بلکه واجد قصد مجرمانه نیز هستند اما به جای آنکه عمل مادی جرم توسط این افراد صورت بگیرد توسط دیگری صورت می پذیرد. بنابر آنچه گفته شد، مبنای مسئولیت این افراد با مسئولیت افرادی مدیر یا کارفرمایی که بنابر موقعیت و جایگاه ویژه ای که از آن برخوردار هستند نظریه خطر و یا به دلیل عدم نظارتی که منجر به رفتار مجرمانه میگردد نظریه خطا و بدون هیچگونه قصد

مجرمانه ای مسئول رفتار مجرمانه زبردستانشان شناخته میشوند متفاوت است از این رو، به عقیده نگارنده از این دو نظریه نمیتوان جهت توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به عنوان مبنای نظری استفاده کرد. نکته دوم آنکه از نظر نگارندگان، نظریه خطا، به نسبت نظریه خطر به دلیل آنکه تا حدودی منطبق بر مفهوم اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری است توجیه مناسب تری برای مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به نظر میرسد. مسئول شناخته شدن فرد به دلیل ترک فعلی که مرتکب شده است - یعنی عدم نظارت بر رفتار زبردست خود - در مقایسه با مسئولیت وی به خاطر جایگاهی که از آن برخوردار است اعم از این که مرتکب تقصیر شده است یا خیر منطقی تر به نظر میرسد. چنانچه در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز نظریه خطا مورد پذیرش قانون گذار قرار گرفته است.

### مبانی مسئولیت کیفری مقام مافوق

قابل ذکر است که در رابطه با مبنا و فلسفه تحمیل مسئولیت کیفری بر مقام مافوق یا فرمانده نظامی به خاطر رفتار مجرمانه زبردستانشان نیز دلایل و نظرات متعددی مطرح گردیده است که پرداختن به آنها در کنار مبانی مسئولیت ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی ضروری به نظر میرسد از این رو در ادامه مهمترین این دلایل مورد مطالعه قرار گرفته اند

### پذیرش داوطلبانه سمت از سوی مقام مافوق

برخورداری مقام مافوق یا فرماندهان نظامی از تمام اختیارات و امکانات، اعم از قدرت متوقف ساختن دستور، خود و همچنین وسایلی جهت پیشگیری از ارتکاب جنایات و یا منع اقدامات در شرف انجام. پذیرش اصولی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری از سوی حقوق دانان حقوق کیفری بین المللی، نخستین دلیل قابل استناد این است که مقامات مافوق داوطلبانه سمت خود را می پذیرند و بنابراین میتوان فرض کرد که آگاهانه به وظایف خود که به موجب حقوق بین المللی به آنها محول گردیده و با مسئولیت آنها متناسب است، رضایت دارند. یکی دیگر از دلایلی که در توجیه مسئولیت کیفری مقامات مافوق قابلیت طرح می یابد پذیرش اصولی مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری از سوی حقوقدانان است. اگرچه مسئولیت کیفری مقامات مافوق را نوعی مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر دانستن در میان حقوقدانان حقوق کیفری بین المللی موافقان و مخالفانی دارد لیکن از جنبه های گوناگونی قابل بررسی از یک طرف مواد ۳۶ و ۳۷ اساسنامه های دیوانهای موقت با گنجاندن مسئولیت مافوق تحت عنوان کلی مسئولیت کیفری «فردی به گونه ای مؤید این ادعا هستند که مسئولیت کیفری مقامات مافوق در واقع شکل متمایز و ویژه ای از همان مسئولیت کیفری فردی است پیش نویس قانون جنایات علیه صلح و امنیت بشری ۱۹۹۶ نیز مسئولیت فرماندهی را به عنوان شکلی از مسئولیت کیفری فردی میداند علاوه بر این برخی از نویسندگان حقوق کیفری بین المللی نیز از این دیدگاه طرفداری کرده و تصریح نموده اند که مسئولیت کیفری فرماندهی یک جنبه مهم از مسئولیت کیفری فردی - هرچند غیر مستقیم - است. از طرف دیگر در رابطه با دلیل سوم میتوان به اساسنامه دیوان کیفری بین المللی اشاره کرد. اساسنامه مزبور بر خلاف اساسنامه های دیوان یوگسلاوی سابق و رواندا، در دو ماده جداگانه مسئولیت کیفری فردی و مسئولیت مقامات مافوق (فرماندهی) را بر شمرده است. در ماده ۲۸ این، اساسنامه مقام مافوق اعم از فرمانده نظامی یا غیر نظامی در صورتی نسبت به جرایمی که توسط نیروهای تحت فرماندهی یا کنترل آنها ارتکاب یافته مسئول شناخته شده اند که کنترل لازم را نسبت به زبردستان خود اعمال نکرده و علی رغم آگاهی از این که جرم واقع شده یا قریباً به وقوع خواهد پیوست، همه اقدامات لازم و معقولی را که در توان داشته برای جلوگیری یا منع از ارتکاب جرم به عمل نیاورده است. مسئول شناخته شدن مافوق به دلیل عدم کنترل را میتوان تا حدودی مشابه نظریه خطا در حقوق داخلی دانست؛ با این تفاوت که مطابق نظریه خطا صرف عدم نظارت جهت مسئول شناخته شدن مسئول کیفری به علت رفتار دیگری کافی است. حال آنکه در این ماده علاوه بر عدم کنترل

اولیه مقام مافوق علت‌های اصلی دیگری جهت مسئول شناخته شدن مقام مافوق وجود دارد نکته حائز اهمیت آن است که اگرچه در مواد ۳۷ و ۳۶ اساسنامه های یوگسلاوی و رواندا به عبارت عدم کنترل و نظارت مقام مافوق اشاره ای نشده است لیکن با توجه به اینکه مواد مذکور و ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی علت‌های اصلی یکسانی را جهت مسئولیت کیفری مقام مافوق مورد توجه قرار داده اند میتوان چنین گفت که در واقع در مواد ۳۶ و ۳۷ اساسنامه های مذکور عدم کنترل از جانب مقام مافوق مفروض است. در تمامی این مواد این امر که مقام مافوق یا فرمانده میدانسته یا باید می دانسته که نیروهای تحت امر او در حال ارتکاب جرم هستند یا جرم را مرتکب شده‌اند و از اتخاذ اقدامات ضروری و معقول جهت جلوگیری از جرم و یا مجازات زبردستان خود کوتاهی نموده اند، مورد تأکید واقع شده است. از نظر نگارنده در رابطه با رویکرد سوم این نکته را باید در نظر گرفت که اگرچه مسئول شناخته شدن مقام مافوق در وهله اول به دلیل کوتاهی در انجام وظیفه محوله و ترک فعلی است که مرتکب شده و از این نظر موافق با مسئولیت کیفری فردی است ولی از آنجا که این مسئولیت در ارتباط با رفتار مجرمانه زیر دست قابلیت طرح می یابد و همچنین با در نظر گرفتن این احتمال که چنانچه مقام مافوق وظیفه خود را با انجام اقدامات لازم جهت جلوگیری از جرم یا مجازات زبردستانش به عمل می آورد، رفتار مجرمانه ای از جانب زیر دست به وقوع نمی پیوست و در واقع کوتاهی وی زمینه بروز جرم را فراهم کرده است میتوان مسئولیت مافوق را همانند مسئولیت کارفرما با توجه به نظریه خطا نوعی مسئولیت غیر مستقیم در نظر گرفت که در اثر کوتاهی و تقصیر مافوق به وجود آمده است بنابراین این رویکرد به نسبت دو رویکرد دیگر در توجیه مسئولیت کیفری مقام مافوق منطقی تر به نظر میرسد. از مقایسه مطالب گفته شده در رابطه با مبانی مسئولیت‌های مذکور چنین بر می آید که در حقوق داخلی در صورت اتکا به نظریه خطا در توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری شخصی که وظیفه نظارت بر رفتار دیگری را بر عهده دارد به صرف عدم نظارت مسئول شناخته میشود حال آنکه در اسناد بین المللی به عنوان مثال، ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی و اساسنامه های دیوان کیفری بین المللی رواندا و یوگسلاوی سابق مقام مافوق در صورتی مسئول شناخته میشود که علی رغم اطلاع از وقوع جرم توسط زبردستانش در صورت توانایی اقدامات لازم و معقول را جهت جلوگیری از رفتار مجرمانه یا مجازات مرتکب آن معمول ندارد.

### شرایط مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری و مسئولیت کیفری

#### مقامات مافوق

به منظور تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری و هم چنین مسئولیت کیفری مقامات مافوق وجود شرایطی ضروری است که در صورت عدم تحقق این شرایط مسئولیت‌های مذکور قابل تصور نخواهند بود در ادامه به بررسی هر یک از این شرایط به طور جداگانه پرداخته شده است. با توجه به اینکه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری قائم بر دو شخص است لذا تحقق آن مستلزم اجتماع شروطی در افعال مباشر جرم و همچنین افعال مسئول کیفری به علت رفتار او است مجرمانه بودن، رفتار ارتکاب جرم در حین انجام وظیفه و عمدی نبودن نقض مقررات را میتوان از مهمترین شروط افعال مباشر جهت تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به حساب آورد البته لازم به ذکر است که در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ شرایط مذکور احصا نگردیده اند بلکه این شرایط دستاورد دکترین حقوقی موجود در در زمینه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری است. به بیان دیگر میتوان گفت که ماده ۱۴۲ شروط افعال مسئول کیفری ناشی از رفتار دیگری که برای تحقق مسئولیت مذکور ضروری است را مورد توجه قرار داده است قانون گذار در این ماده یکی از دو شرط زیر را جهت تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری ضروری دانسته است به طور قانونی مسئول اعمال دیگری بودن شخص به عنوان مثال: مسئول بودن کارفرما در برابر رفتار زیر دست خود به موجب قانون مرتکب تقصیر شدن شخص در رابطه با نتیجه رفتار ارتكابی دیگری به عنوان مثال: تقصیر اولیا و

سرپرستان قانونی اطفال و مجانین در حفظ و نگهداری یا مراقبت از آنها در ادامه سایر شرایط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در ارتباط با رفتار مباشر اصلی، جرم مورد بررسی قرار گرفته است.

### مجرمانه بودن رفتار

نخستین شرط تحقق این مسئولیت بنابر اصل قانونی بودن جرم و مجازات فعل یا ترک فعل مادی قابل مجازات دیگری است یعنی رفتار صورت گرفته از ناحیه دیگری به عنوان مباشر و مرتکب اصلی باید از نظر قوانین جزایی کشورها جرم شناخته شده قابل مجازات باشد تا بتوان مسئول کیفری به خاطر رفتار دیگری را مسئول شناخت بنابراین میتوان گفت که وقوع رفتار مجرمانه توسط دیگری بنای این نوع مسئولیت را تشکیل میدهد.

### ارتکاب جرم در حین انجام وظیفه

یکی دیگر از شروط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری آن است که وقوع جرم غیر عمدی از ناحیه مرتکب در حین انجام وظیفه او صورت گرفته باشد. بنابراین هر گاه کارگری در غیر مواردی که مشغول انجام وظیفه میباشد بر اثر بی احتیاطی یا بی مبالاتی مرتکب جرم غیر عمدی، شود مسئولیت شخصی که موظف به مراقبت از اعمال او بوده در اینجا موضوعاً منتفی است این شرط در مسئولیت مدنی ناشی از فعل زیان بار دیگری نیز مورد توجه قرار گرفته است؛ در آنجا که به موجب ۱۲ قانون مسئولیت مدنی کارفرما مسئول جبران خساراتی شناخته شده که توسط کارکنان اداری یا کارگران وی در حین انجام کار یا به مناسبت آن وارد شده است.

در این زمینه میتوان به مقاله پروفسور لاسپروگاتا اشاره کرد. در مقاله وی تحت عنوان زندگی مجازی و مدیریت خطر سازمان یافته برای استفاده شخصی کارمند از آمده است اصول حقوق نمایندگی کار فرما را در قبال رفتارهای مضر و شبکه چنین اشتباه کارمندان که در محدوده شرح وظایف آنها رخ داده باشد مسئول می‌شناسد». در قسمت دیگر این مقاله آمده است مسئولیت نیابتی در جایی که کارمند به خاطر اهداف شخصی خود به طور قابل توجهی از وظایفش منحرف شده باشد در رابطه با شخص کارفرما مطرح نمیگردد آن چنان که از این نظریه مستفاد میگردد چنانچه کارمند خارج از حدود وظایف خود مرتکب رفتار مجرمانه ای شود کارفرما مسئولیتی در قبال آن نخواهد داشت.

### عمدی نبودن نقض مقررات مربوطه

نقض مقررات مربوطه عمدی نباشد بدین معنا که مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری مربوط به جرایمی که دیگری به صورت عمدی انجام میدهد، نمیباشد و معمولاً در جرایم غیر عمد متصور است. به بیان دیگر شخصی که عمداً جرم را انجام داده خود باید بار مسئولیت را به دوش بکشد بنابراین در صورتی که تخلف مباشر از مقررات عمدی باشد مسئولیت کیفری متوجه مدیر نمی شود و یکی از استادان حقوق در خصوص جایگاه مسئولیت کیفری ناشی از فعل غیر در جرایم غیر عمدی چنین مینویسد ... از این که مسئول کیفری در دادرسی فقط پاسخگوی غفلت خود در اجرای وظیفه نظارت و مراقبت خواهد بود. منطقیاً چنین

نتیجه میشود که نمیتوان او را جز به سبب جرایم غیر عمدی تخلف دیگری محکوم کرد زیرا در جرایم عمدی تصور قبول مسئولیت کیفری در قبال رفتار دیگری دشوار است. چنین به نظر میرسد که تقصیر عمدی مباشر اصلی، جرم تقصیر ناشی از غفلت بی مبالاتی مسئول کیفری رفتار دیگری را بی تأثیر می‌گرداند. با این همه در نظام قانون گذاری کشورمان پذیرفتن مسئولیت کیفری به علت رفتار عمدی دیگری بی سابقه نیست. در واقع در رابطه با این شرط میتوان چنین گفت که اگرچه در دکتترین غیر عمدی بودن نقض مقررات مربوط به عنوان یکی از شروط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در نظر گرفته شده است اما با این حال در قوانین جزایی کشورمان ان موادی که مصادیق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را مورد بررسی قرار داده اند غیر عمدی بودن فعل مباشر اصلی تصریح نگردیده است. در رابطه با شرط فوق الذکر میتوان به ماده ۴۳۵ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ نیز اشاره کرد. این ماده مقرر میدارد هر گاه در جنایات، عمدی به علت مرگ یا فرار دسترسی به مرتکب ممکن نباشد با درخواست صاحب حق دیه جنایت از اموال مرتکب پرداخت میشود و در صورتی که مرتکب مالی نداشته باشد و در خصوص قتل عمد ولی دم میتواند دیه را از عاقله بگیرد و در صورت نبود عاقله یا ... همان گونه که مشاهده می‌گردد در این ماده قانون گذار عاقله را در برابر رفتار عمدی مرتکب مسئول شناخته و وی را محکوم به پرداخت دیه کرده است. این امر ممکن است در نگاه اول مغایر با شرط عمدی نبودن نقض مقررات به نظر برسد حال آنکه در توجیه میتوان چنین گفت که در این ماده در واقع جنبه جبران خسارت بودن دیه مورد توجه قانون گذار بوده و ماده ۴۳۵ مغایرتی با شرط مذکور ندارد نکته قابل توجه در ارتباط بین شرط حاضر با شرط نخست این است که تنها در صورتی مسئول کیفری برای رفتار غیر عمدی دیگری مجازات میشود که غیر عمدی بودن یک رفتار جرم شناخته شود و در صورت عدم جرم شناخته شدن رفتار غیر عمدی نمیتوان شخص را مسئول شناخت که البته جرم شناختن یک رفتار غیر عمدی استثنا است و نیاز به تصریح دارد بنابراین میتوان چنین نتیجه گیری کرد که شرط سوم تا حدودی دامنه تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را محدود میکند در آخر به عنوان جمع بندی باید گفت که لازم است تمامی شرایط فوق الذکر به طور همزمان در رفتار مرتکب اصلی جرم دیگری وجود داشته باشند تا مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری تحقق یابد به بیان دیگر تنها زمانی که دیگری در حین انجام وظیفه مرتکب یک رفتار غیر عمدی که توسط قانون جرم انگاری شده است بشود شخصی که وظیفه نظارت بر رفتار وی را داشته است به عنوان مسئول کیفری ناشی از رفتار دیگری واجد مسئولیت شناخته میشود.

### شرایط تحقق مسئولیت کیفری مقامات مافوق

در اسناد بین المللی و همچنین رویه قضایی بین المللی سه شرط اساسی برای تحقق مسئولیت کیفری مافوق در نظر گرفته شده است که عبارتند از:

۱- وجود رابطه مافوق - مادون نخستین شرط برای تحقق دکتترین مسئولیت کیفری مافوق، وجود رابطه بین مقام مافوق به عنوان مسئول، کیفری و زیردست او که مرتکب واقعی جرم مورد نظر است در زمان وقوع جرم - میباشد.

قابل ذکر است که در هیچ یک از اسناد بین المللی مافوق و مادون تعریف نشده اند آنچه در تعریف اصلاحات مزبور گفته میشود صرفاً مبتنی بر وجود خصوصیات و ویژگیهای مشترکی است که در اسناد بینالمللی در مورد آنان آمده است. مافوق شامل فرماندهان نظامی رهبران سیاسی و سایر مقامات ارشد دولتی میشود. شرح اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مافوق - مادون را به شرح زیر تعریف میکند هرکس که یک مافوق دارد که میتواند کار او یا فعالیتهای مربوط به کار او را هدایت کند میتواند یک مادون نسبت به او باشد .....  
.....

باید از نظر قوانین جزایی کشورها قابل مجازات باشد تا بتوان مسئول کیفری به خاطر رفتار دیگری را مسئول شناخت در استاد بین المللی نیز مجرمانه بودن رفتار ارتكابی از سوی زبردستان مورد پذیرش قرار گرفته است با این تفاوت که رفتار ارتكابی نه تنها باید جرم باشد بلکه باید رسیدگی به آن در صلاحیت دیوان باشد تا بتوان مقام مافوق را در قبال آن مسئول شناخت به عبارت دیگر در حقوق داخلی صرف این که رفتار ارتكابی به موجب قوانین جرم و قابل مجازات شناخته شود (در کنار مابقی شرایط) جهت مسئول شناخته شدن مسئول کیفری به علت رفتار دیگری کافی است حال آنکه در حقوق کیفری بین المللی علاوه بر این که رفتار ارتكابی از سوی زبردست باید جرم باشد بلکه رسیدگی به آن نیز باید در صلاحیت دیوانی باشد که مسئولیت کیفری مقامات مافوق را در اساسنامه خود به رسمیت شناخته است. میتوان رابطه مافوق - مادون را یک شرط اساسی دکتترین مسئولیت مافوق (فرماندهی در اساسنامه دیوانهای موقت و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی به شمار آورد. است. همچنین - علم واقعی یا اعتباری از طرف مافوق نسبت به جرایم ارتكابی یا در حال ارتكاب از سوی زبردستان این شرط در مواد (۳۷) و (۳۶) اساسنامه های دیوان یوگسلاوی سابق و دیوان رواندا با این عبارت که چنانچه او میدانسته یا دلایلی وجود داشته که میدانسته است که زبردست در حال ارتكاب چنین جرایمی است یا قبلاً این جرایم را انجام داده است ...» مورد اشاره قرار گرفته ماده ۲۸ (الف) اساسنامه دیوان کیفری بین المللی نیز با این عبارت که فرمانده نظامی یا شخصی که عملاً وظایف فرمانده نظامی را انجام میدهد میدانسته یا با توجه به اوضاع و احوال زمان ارتكاب جرم باید می دانسته ... این شرط را مورد توجه قرار داده است. قصور از اتخاذ (انجام اقدامات لازم برای جلوگیری یا مجازات زبردستان این شرط نیز مانند دو شرط قبلی در اساسنامه های دیوانهای موقت و اساسنامه دیوان کیفری بین المللی مورد توجه قرار گرفته است. در رابطه با شرط حاضر در برخی از متون حقوقی چنین آمده است: «دکتترین مسئولیت کیفری مقامات مافوق فرماندهی زمانی ثابت میشود که فرماندهان نظامی از ممانعت مؤثر توقیف یا مجازات جرایم جنگی زبردستان خود کوتاهی کنند. در این شرایط فرمانده ممکن است به خاطر جرایم زبردستان خود مجازات شود. ماده ۲۸ اساسنامه دیوان کیفری بین المللی در خصوص این شرط در مورد مقامات مافوق نظامی و غیر نظامی مقرر داشته است

الف. فرمانده نظامی با شخصی که عملاً وظایف فرمانده نظامی را انجام میدهد از اتخاذ اقدامات ضروری و معقولی که در حدود توانایی اش است. به منظور جلوگیری از جرم یا منع از انجام آن یا برای طرح مسأله نزد مقامات صالح به منظور تحقیق و تعقیب قصور کرده است. مقام مافوق غیر نظامی از اتخاذ همه اقدامات ضروری و معقولی که در حدود توان اوست به منظور جلوگیری یا منع ارتكاب جرایم) یا گزارش موضوع (جرم) به مقامات صالح برای تحقیق و تعقیب کوتاهی ورزیده است. همان گونه که مشاهده میگردد اساسنامه دیوان در مورد اتخاذ اقدامات ضروری و معقول تفاوتی میان مقامات نظامی و غیر نظامی قائل نشده است. آن چه از مقایسه شرایط لازم جهت تحقق دو مسئولیت مذکور بر می آید این است که مسئولیت کیفری مقامات مافوق فرماندهی) در قبال رفتار زبردستانشان همانند مسئولیت ناشی از رفتار دیگری متشکل از دو شخص است. یک شخص مقام مافوق و شخص دیگر مأمور مادون به همین دلیل جهت تحقق این مسئولیت وجود شرایطی هم در رفتار مافوق و هم در رفتار مأمور ضروری است لیکن در حقوق کیفری بین المللی چه در اسناد بین المللی و چه در دکتترین مسئولیت کیفری مقامات مافوق بر خلاف حقوق داخلی (که شرایط رفتار دیگری مباشر) (جرم در دکتترین مربوط به مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگر مورد بحث قرار گرفته است اشاره ای به شرایطی که باید در رفتار مأمور زبردست جهت تحقق این مسئولیت وجود داشته باشد نشده و بیشتر شرایط ضروری موجود در رفتار مافوق مورد بررسی قرار گرفته است. بنابراین میتوان گفت که شرایط تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی از این جهت که ناظر بر رفتار شخص مسئول و مباشر اصلی جرم به طور هم زمان است نسبت به حقوق کیفری بین المللی که شرایط را تنها از جنبه مقام مافوق مورد بررسی قرار داده است تکامل یافته تر است. با این حال میتوان شروط مربوط به رفتار مباشر جهت تحقق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری را تا حدودی به رفتار مأمور زیر

دستی که منجر به مسئول کیفری شناخته شدن مقام مافوق گردیده است تسری داد. به عنوان مثال در رابطه با شرط اول یعنی مجرمانه بودن رفتار ارتكابی میتوان گفت که در آن دسته از اسناد بین المللی که مسئولیت کیفری مقام مافوق در قبال جرایم زیردستان مورد توجه قرار گرفته به عبارت جرم در صلاحیت دیوان اشاره گردیده و مقام مافوق را در قبال آن دسته از جرایم زیردستان که رسیدگی به آنها در صلاحیت دیوان مربوطه است دارای مسئولیت کیفری شناخته است.

### نتیجه گیری

اگرچه مسئولیت مدنی ناشی از رفتار دیگری در حقوق کشورمان به عنوان اصلی مستقل مورد پذیرش قرار گرفته و در قانون مسئولیت مدنی از آن یاد شده اما در رابطه با مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به دلیل مواجه شدن با امر، مجازات آن هم مجازات شخصی که در ظاهر دخالتی در جرم ارتكاب یافته نداشته است. پذیرفتن این قسم از مسئولیت به عنوان اصلی مستقل با مشکل روبرو شده و موافقان و مخالفانی را به خود اختصاص داده است. با مطالعه متون و قوانین جزایی و همچنین با اتکا بر نظریات مطرح شده در زمینه توجیه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری به ویژه نظریه خطا میتوان چنین استنباط کرد که



صلاح‌دید قانون گذار از تأسیس چنین نهادی القای مسئولیت نظارت به شخص مافوق بوده است. یکی از موضوعات مهم حقوق جزای بین الملل که تا حدودی میتوان آن را مشابه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق داخلی دانست مسئولیت کیفری مقامات مافوق در قبال رفتار مجرمانه زیردستانشان است در هر دو مسئولیت عدم نظارت و کنترل شرط لازم جهت مسئول شناخته شدن مقام مافوق و شخص ناظر در نظر گرفته شده است. با این تفاوت که در مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری با تکیه بر نظریه خطا صرف عدم کنترل و نظارت منجر به مسئولیت کیفری شخص ناظر می‌گردد بنابراین در رابطه با مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری عدم نظارت شرط لازم و کافی است و میتوان مسئولیت کیفری کارفرما مدیر مسئول و ... را به دلیل کوتاهی و غفلت آنان در انجام وظیفه نظارت ثابت دانست؛ در حالی که در اسناد بینالمللی و در رابطه با مسئولیت کیفری مقام مافوق صرف عدم کنترل برای مسئول کیفری شناختن شخص مافوق کافی نیست به طور کلی میتوان گفت که اگرچه مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری دارای ماهیتی مستقل از مسئولیت کیفری مقامات مافوق است ولی با این حال شاید بتوان این تأسیس را تا حدودی منطبق بر نهاد مسئولیت کیفری مقامات مافوق در قبال رفتار مجرمانه زیردستانشان در نظر گرفت لازم به ذکر است که با توجه به میزان اهمیت مقامات مافوق در اسناد بینالمللی و در نظر گرفتن پیشرفت روزافزون جوامع بشری و به وجود آمدن برخی جرایم بینالمللی جدید در عصر تکنولوژیهای برتر لزوم انجام تحقیقات گسترده تر در زمینه مسئولیت کیفری مقامات مافوق بیش از پیش احساس می‌گردد.

### پیشنهادهات

۱ با توجه به اهمیت تشخیص مسئولیت کیفری از نظر حقوق جزای اسلامی ارائه تعریف دقیق از مسئولیت کیفری توسط قانون گذار به منظور رفع اختلاف نظر موجود در میان حقوق دانان ضروری به نظر میرسد.

۲ در رابطه با مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی به عنوان یکی از مصادیق مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری میتوان گفت که با در نظر گرفتن این امر که ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی مسئولیت کیفری اشخاص حقوقی را به رسمیت شناخته و شرایط آن را احصا کرده است بهتر آن است که علاوه بر تبصره ماده ۲۰ که عدم مجازات اشخاص حقوقی عمومی اشخاص حقوقی دولتی و یا عمومی غیر دولتی در زمان اعمال حاکمیت مورد توجه قرار گرفته است به عدم مسئولیت کیفری این اشخاص به هنگام اعمال حاکمیت نیز در ذیل ماده ۱۴۳ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ توسط قانون گذار اشاره شود. - جهت درک بهتر مسئولیت کیفری ناشی از رفتار، دیگری علاوه بر احصای شرایط تحقق این نوع مسئولیت در ماده ۱۴۲ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ارائه تعریف دقیق از مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در این ماده توسط قانون گذار ضروری به نظر میرسد.

## منابع

- آشوری، محمد، «عدالت کیفری از دیدگاه حمورابی نشریه مؤسسه حقوق تطبیقی دانشگاه تهران شماره ۷. ۱۳۸۴
- آقای جنت مکان، حسین محاکمه قدرت مسئولیت کیفری مقامات مافوق و زبردستان آنان در حقوق کیفری بین المللی انتشارات گنج دانش، ۱۳۸
- اردبیلی، محمد علی حقوق جزای عمومی جلد ۱، چاپ سی و دوم تهران، نشر میزان ۱۳۹۲
- حقوق کیفری بین المللی (گزیده) مقالات تهران نشر میزان سال ۱۳۸۳ مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق ایران مجله تحقیقات حقوقی شماره ۱۶ و ۱۷ پاییز ۱۳۷۴ تا بهار ۱۳۷۵
- حسین جانی بهمن مظاهری تهرانی مسعود اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری با نگرشی بر قوانین کیفری فرانسه و آمریکا، مجمع علمی و فرهنگی مجد، ۱۳۸۹
- حسین نژاد حسینقلی مسئولیت مدنی، انتشارات مجد ۱۳۸۹
- ساکي، محمدرضا، حقوق جزای عمومی مسئولیت کیفری جلد ۲. انتشارات جنگل ۱۳۹۲
- سلیمی، صادق چکیده حقوق جزای عمومی انتشارات جاودانه جنگل، ۱۳۹۲
- شامبیاتی هوشنگ حقوق جزای عمومی جلد ۲ تهران انتشارات مجد ۱۳۹۲
- شاه حیدری پور، محمد علی تحصیل دوست، فریدون قانون مجازات اسلامی
- ۱۳۹۲ صالح ولیدی، محمد، حقوق جزا مسئولیت کیفری تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۳
- صانعی، پرویز حقوق جزای عمومی جلد ۱، انتشارات گنج دانش
- ۱۳۷۶ عباسلو بختیار، مسئولیت مدنی با نگرش تطبیقی) چاپ دوم، نشر میزان ۱۳۹۴
- عمید، حسن، فرهنگ فارسی عمید انتشارات امیر کبیر، ۱۳۵۷
- فیض، رضا قهر» «مطبون و جزای مطلوب در عرفان ابن عربی چاپ نخست دایره المعارف علوم جنایی مجموعه مقاله های تازه های علوم جنایی - زیر نظر علی حسین نجفی ابرند آبادی)، بنیاد حقوقی میزان ۱۳۹۲
- قاسم زاده سید مرتضی مبانی مسئولیت مدنی چاپ چهارم، نشر میزان ۱۳۸۵
- کشاورز چافجیری، پژمان مسئولیت کیفری ناشی از رفتار دیگری در حقوق ایران و حقوق تطبیقی (انگلستان) و فرانسه پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران تیرماه ۱۳۸۱
- گلدوزیان ایرج حسین، جانی بهمن مبانی اصل شخصی بودن مسئولیت کیفری در حوزه ادیان شماره ۱۵ و ۱۶ مجله تخصصی الهیات و حقوق ۱۳۸۳
- محسنی، مرتضی دوره حقوق جزای عمومی مسئولیت کیفری جلد سوم تهران انتشارات گنج دانش ۱۳۷۶ میرسعیدی، سید منصور، مسئولیت کیفری قلمرو و ارکان جلد اول تهران، نشر میزان ۱۳۸۳